



گلاب آزادگان

خدا با توست

نویسنده: جی. پی. واسوانی

بازگردان: نوشین حمیدا

چاپ نخست: بهار ۱۳۸۹

چاپ ششم: تابستان ۱۳۹۸

شمارگان تاکنون: ۱۴۸۵۰ نسخه

یادداشت‌ها

این حکایت در باره مردی است که همه روز را در یک بازار بر میامو کنار می‌کرد. به همین دلیل هر روز صبح، هنگام طلوع خورشید به تنهایی کنار ساحل می‌رفت. به موج‌هایی که به سوی ساحل می‌آمدند و در آنها گم می‌شدند و به کران تا کران دریا چشم می‌دوخت و هیاهوگ با سواهی آب به

- فهرست
- #
- ۷ یادداشت‌ها ناشر
- ۹ بخش یکم: بلیت بهشت
- ۱۷ بخش دوم: به خدا بسپارا!
- ۲۹ بخش سوم: معجزاتی در زندگی
- ۳۹ بخش چهارم: خدا مرده است؟
- ۴۹ بخش پنجم: ایمان زن نابینا
- ۵۳ بخش ششم: برگزیده خدا
- ۵۹ بخش هفتم: زایران آرامش
- ۶۵ بخش هشتم: پیش به سوی خدا
- ۷۵ بخش نهم: غلبه بر رنج
- ۸۳ بخش دهم: خدایا! دوستت دارم
- ۹۱ بخش یازدهم: منبع ایمان
- ۹۹ بخش دوازدهم: نمونه‌هایی از ستایش

یادداشت ناشر

این حکایت در بارهٔ مردی است که همهٔ روز را در یک بازار پرهیاهو کار می‌کرد. به همین دلیل هر روز صبح، هنگام طلوع خورشید به تنهایی کنار ساحل می‌رفت، به موج‌هایی که به سوی ماسه‌ها می‌آمدند و در آنها گم می‌شدند و به کران تا کران دریا چشم می‌دوخت و هماهنگ با نوای آب به نیایش می‌پرداخت. تنهایی او دیری نپایید، زیرا پس از چندی با نیاز فراوانی که به نزدیکی با خدا داشت، در پیشگاه پروردگار ایستاد.

ما نیز باید برای شنیدن صدای روح‌بخش او لحظه‌ای گوش دل فرا داده و هر بامداد با پروردگار رو به رو شویم.

این کتاب زیبا، شما را در انجام این کار و رسیدن به ایمان، عشق و شادی حقیقی یاری می‌رساند و آنگاه درمی‌یابید که اندیشیدن به غذا، لذت و قدرت، چشمان را کم‌سو، احساس را پریشان، افکار را محدود و قلب را سخت می‌کند. **دادا** جی. پی. واسوانی در این کتاب خواندنی و آموزنده کاربردهای عملی ایمان، عشق و اشتیاق به پروردگار را می‌جوید. این مجموعه از نوشته‌های او سرشار از حقایق ژرفی است که به زیبایی با تمثیل، حکایات و الهامات سودمند بیان شده است. ما شاهد انرژی مثبتی هستیم که با آمیزه‌ای از